

دستمزدها و

چشم انداز اعتراضات کارگری

بعد از مدت‌ها معطلی و پس از چندین روزجر و بحث در "شورایعالی کار" پیرامون میزان ونحوه افزایش حداقل دستمزدهای کارگری، سرانجام این ارگان، در آخرین روزهای اسفند ۸۰، تصمیم خود را در مورد نحوه محاسبه میزان افزایش دستمزدها اعلام کرد و به دنبال آن وزارت کار و امور اجتماعی نیز طی بخشنامه ای این تصمیم را جهت اجرا ابلاغ نمود.

برپایه این بخش نامه در سال ۸۱، حداقل مزد روزانه کارگران مشمول قانون کار، ۴/۵ در صد اضافه می‌شود، به اضافه روزانه ۳۵۰ تومان. در بخشنامه توضیح داده شده است که این ۴/۵ درصد صرفاً شامل قسمت ثابت مزد می‌شود و شامل آن دسته از کارگرانی که دارای قسمت ثابت مزد نیستند نمی‌گردد. البته کارگزاران بورژوازی و شورابعالی کار رژیم، نحوه افزایش دستمزدها را آنقدر پیچانده‌اند و آن را با اما و اگر و تبصره همراه ساخته‌اند که کارگران حتی - المقدور نتوانند از آن سر در بیاورند تا سرمایه‌داران و کارفرمایان در عمل در مورد پرداخت دستمزدها هرطور که بخواهند با کارگران رفتار کنند. معهداً صرف نظر از ابهامات موجود در نحوه محاسبه افزایش دستمزدها و صرف نظر از تلاش آگاهانه کارگزاران بورژوازی برای ایجاد نفاق و چند دستگی در میان کارگران، دستمزد روزانه کارگران ۲۳۲۸۲ ریال (مجموع افزایش ۴/۵ درصدی قسمت ثابت دستمزد روزانه + ۳۵۰۰ ریال) و ماهانه ۶۹۸۴۰ تومان تعیین شده است. یعنی حداقل دستمزد ماهانه کارگری از حدود ۵۷ هزار تومان در سال ۸۰ به حدود ۷۰ هزار تومان در سال جاری یعنی نزدیک به ۲۳ درصد افزایش یافته است. این در حالیست که قیمت‌ها که در اسفند سال گذشته به صورت جهشی افزایش یافته بود، در سال جدید نیز همچنان سیر صعودی می‌پیماید و رشد افسار گسیخته نرخ تورم و تاثیرات بلا - واسطه یکسان سازی نرخ ارز بر کاهش ارزش ریال و در نتیجه کاهش فاحش قدرت خرید کارگران، وضعیت معیشتی خانوارهای کارگری رابه میزان غیرقابل تصویری دشوار ساخته است. فشارهای

به مناسبت اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

صفحه ۳

۴۸ ساعت تلاطمات سیاسی در ونزوئلا

سیاسی میان طبقات حاکمه این کشور ها و این همه بحران‌های سیاسی را نمی‌توان جز از طریق همین تضاد ها و بن بست ها تحلیل و ریشه یابی کرد. آنچه که در ونزوئلا نیز رخ داد در شکل بلاواسطه اش، تضاد و برخورد میان دو طبقه اساساً متضاد و کشمکش میان انقلاب و ضد انقلاب نبود، بلکه نزاع و کشمکش میان دو جناح بورژوازی حاکم بر این کشور بود.

رئیس جمهور کنونی ونزوئلا هوگو چاوز قدرتش را در سال ۱۹۹۹ از تضادهای عمیق جامعه ونزوئلا، از شکست اقتصادی نولیبر - الیسم در این کشور و از ناراضی گسترده توده‌ای گرفت و با اکثریت بالائی در انتخابات به پیروزی رسید. او در پلانتفرم خود به میلیون ها کارگر و زحمتکش معترض وعده می داد که فقر و فساد را ریشه کن سازد. وی از وقتی که به قدرت رسید در مقابل سیاستهای اقتصادی جناح رقیب پیش از خود، به تقویت بخش دولتی پرداخت. اما تغییر چندان در اوضاع صورت نگرفت. به رغم این که ونزوئلا چهارمین تولید کننده بزرگ نفت جهان است و در طول دو سال گذشته بهای نفت به چند برابر افزایش یافته‌است، اما آمار و ارقام انتشار یافته

صفحه ۴

در هفته دوم آوریل، ونزوئلا یکی از کشورهای آمریکای لاتین با یک طوفان سیاسی روبرو گردید. در فاصله ۴۸ ساعت، رئیس جمهور این کشور با یک کودتای نظامی سرنگون شد و با یک قیام توده‌ای دوباره به قدرت رسید. آنچه که در این ۴۸ ساعت به وقوع پیوست، نتیجه بحران و بن بست است که کشورهای آمریکای لاتین به طور عام و در این مورد ونزوئلا به شکلی خاص با آن روبروست. در ظاهر امر چنین به نظر می‌رسد که علت بحران سیاسی چند ماه گذشته در آرژانتین و یا دیگر کشورهای آمریکای لاتین با بحرانی که ونزوئلا با آن روبرو شده است تفاوت دارد. اما در واقعیت امر هر آنچه که این بحران ها در هر کشور آمریکای لاتین، از ویژگیهای مختص خود برخوردار باشند، از یک منشاء ریشه می گیرند. آمریکای لاتین یکی از کانونهای بارز تضادهای نظام سرمایه داری جهانی است. آمریکای لاتین دنیای تضاد فاحش فقر و ثروت، نابرابری، بی عدالتی، و انبوه تضادهای لاینحل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی است. نقش امپریالیسم ایالات متحده آمریکا در این تضادها به جای خود باقی - ست اما این همه کودتا در آمریکای لاتین، این همه کشمکش ها و نزاع های

در این شماره

- ۴ قتل عام مردم فلسطین در اردوگاه جنین
- ۶ تحولات ونزوئلا از نگاهی دیگر
- ۸ نگاهی به اوضاع پناهندگی و وضعیت پناهندگان در هلند
- ۶ تظاهرات ۳ میلیونی کارگران ایتالیا
- ۲ خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

ازمفحه ۱ دستمزدها و

چشم انداز اعتراضات کارگری

اقتصادی و معیشتی بر دوش کارگران و خانوارهای کارگری آنفدرسنگین و متراکم شده است که ذهن سران تشکلهای کارگری وابسته به رژیم رانیزش‌دیده‌ایه خودمشغول ساخته است و آنان به طور دائم تبعات این وضعیت غیرقابل تحمل و خطرناک فشارهای تراکم یافته راهشدار داده‌اند و با هدف وانگیزه پیشگیری از این انفجار، خواسته‌اند دستمزدها به‌نحوی تعیین شود که لااقل اندکی از این فشارها کاسته شود. در همین رابطه است که حتی این مدافعان و مجریان سیاستهای دولت، ۶ هزار تومان و ۶ هزار و پانصد تومان رایه عنوان حداقل دستمزد روزانه به "شورای عالی کار" پیشنهاد کرده بودند. تا آنجا که یک هفته مانده به پایان سال ۸۰ و برمتن مبارزات اعتراضی جاری کارگران برای افزایش دستمزدها، وقتی که عطاردیان دبیر انجمن صنفی کارفرمایی، ۲۷۰۰ تومان دریافتی روزانه را به عنوان رقم پیشنهادی کارفرمایان اعلام کرد، این رقم از آنجا که در مقایسه با افزایش قیمت‌ها و تامین حداقل معیشت کارگری به‌شدت ناهمخوانی داشت، نه فقط موجی از اعتراضات کارگری را برانگیخت، بلکه صدای اعتراض و نارضایتی این‌ها را نیز در پی داشت. معذارقم نهائی اعلام شده توسط "شورای عالی کار" نه فقط به هیچ عنوان خواست و نظر کارگران را تامین نمی‌کند و تامین کننده هزینه یک خانوار کارگری و حتی حداقل‌های معیشتی یک خانوار ۵ نفره کارگری نیست، نه فقط هیچ انطباقی با نرخ رشد تورم در سال جاری ندارد و نه فقط از میزان پیشنهادی تشکلهای وابسته به رژیم کمتر است، بلکه حتی از رقم اعلام شده دبیر انجمن صنفی کارفرمایی هم پائین تر است.

تصمیم "شورای عالی کار" که رضایت حتی نزدیک‌ترین محافل کارگری به رژیم رانیزش‌دیده‌ایه تامین کند، باردیگر این حقیقت را به کارگران نشان داد که "شورای عالی کار" ارگانی وابسته به بورژوازی است و هیچ ربطی به کار و به کارگر ندارد. طبق آمار انتشار یافته در روزنامه‌های رسمی رژیم، هم‌اکنون خط فقر حدود ۱۸۰ هزار تومان است. تعیین ۷۰ هزار تومان به عنوان دستمزد ماهانه کارگری معنایش آن است که نظر سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها، بر این است که کارگران همچنان باید زیر خط فقر قرار داشته باشند. معنایش استئمار وحشیانه کارگران و تحمیل فشارها و دشواری‌های معیشتی بیشتر به کارگران و خانوارهای کارگری و فقر و تنگدستی افزون تر آنان است. باید در نظر داشت بایکسان سازی نرخ ارز

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

در تاریخ ۲۰ فروردین ماه، کارگران نساجی و ریسمن ریزی سمنان در مقابل کارخانه تجمع نموده و تظاهرات کردند.

در همین روز هزاران تن از مردم فردوس در اعتراض به سیاست‌های رژیم و نحوه تقسیم استان خراسان بدون در نظر گرفتن خواست مردم این منطقه دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. سازمان در همین تاریخ با صدور اطلاعیه‌ای ضمن انتشار این اخبار به انعکاس مطالبات و خواسته‌های کارگران و مردم فردوس پرداخت. در این اطلاعیه آمده است، که کارگران نساجی و ریسمن ریزی سمنان از بهمن ماه سال ۸۰ حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران به بیکارسازی معترض بودند و اعلام می‌کردند که در کارخانه‌ای که ده هزار نفر در آن کار می‌کردند اکنون تنها ۳۱۵ کارگر باقی مانده که آنها نیز بلا تکلیف‌اند. کارگران خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه و روشن شدن وضعیت کارخانه هستند. در بخش دیگری از این اطلاعیه گفته شده است که از روز گذشته هزاران تن از مردم فردوس در اعتراض به نحوه تقسیم استان خراسان و در نظر نگرفتن نظر مردم این شهر دست به یک رشته اقدامات اعتراضی، از جمله راهپیمایی و تظاهرات زده‌اند. تظاهرات مردم این شهر امروز نیز ادامه یافت.

(اعتصاب کارگران ایران خودرو) عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۱۳۸۱/۱/۲۴ انتشار یافت. اطلاعیه می‌گوید، کارگران شرکت ایران خودرو در اعتراض به تصمیمات مدیریت ایران خودرو مبنی بر افزایش ساعات کار، ملغا نمودن روز تعطیلی جمعه، به اعتصاب غذا متوسل شده‌اند. اطلاعیه می‌افزاید، این اقدام ارتجاعی و ضد انسانی به معنای محروم کردن کارگران حتی از یک روز تعطیل در هفته است و به معنای باز شکست به دوران برده داری کهن است که برده دار تمام روزهای هفته برده را به کار وامی‌داشت. در حالی که امروز در بیشتر کشورهای جهان، کارگران در هر هفته دوازده روز پی در پی تعطیل‌اند و ساعات کار نیز در برخی از کشورها در هر هفته به ۳۵ ساعت کاهش یافته است، سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها در ایران در تلاش است، کارگران را از امکان استراحت یک روزه در هفته نیز محروم کند. در پایان اطلاعیه نیز آمده است، سازمان فدائیان (اقلیت) از مقاومت و مبارزه کارگران ایران خودرو علیه این اقدامات ارتجاعی مدیریت حمایت می‌کند.

برخی کمکه‌های غیر نقدی که با اختصاص دلار ارزان در اختیار کارگران قرار می‌گرفت، و بخش اندکی از مایحتاج کارگران را تامین می‌کرد، عملاً خاصیت و تاثیر گذاری خود را از دست می‌دهد و کارگران از این ناحیه نیز تحت فشار قرار می‌گیرند. علاوه بر این، تعقیب سیاست قطع و یا کاهش یارانه‌ها نیز بر این فشارها و شرایط دشوار معیشتی کارگران می‌افزاید. با تعیین ۷۰ هزار تومان دستمزد ماهانه، هر کارگری می‌داند که دستمزد واقعی‌اش عملاً کاهش یافته است. واقعیت‌های جاری جامعه، حاکی از یک شکاف بسیار عمیق میان دستمزدهای کارگری و مخارج و هزینه‌های یک خانوار کارگری است. فشار - های اقتصادی و معیشتی روز افزون، آنقدر سنگین و کمر شکن است که حقیقتاً از حد صبر و تحمل گذشته است. باید در نظر داشت که این افزایش ناچیز دستمزدهای اسمی، صرفاً شامل کارگرانی می‌شود که مشمول قانون کار هستند، حال آنکه میلیونها کارگر شاغل، از مشمول این قانون خارج‌اند و اوضاع اقتصادی و معیشتی آنان از این هم وخیم تر و غیر قابل تحمل تر است. از این گذشته میلیونها کارگر دیگر بیکارند و هیچ‌گونه ممر درآمدی برای

گذران زندگی روزمره خویش ندارند! روشن است که کارگران در برابر این وضعیت دشوار و در برابر این همه زور و اجحاف ساکت نمی‌نشینند. روحیه اعتراضی در میان کارگران و محیط‌های کارگری به سرعت در حال گسترش است. سرمایه‌داران و دولت آنها، به خواست دهها هزار کارگری که در اسفند ماه در صدها کارخانه در استانهای مختلف دست به تجمع و اعتراض زده و خواستار افزایش دستمزدها شده بودند و بعد در انتظار تصمیم "شورای عالی کار" ماندند، دهن جگی کردند و به آنان پاسخ منفی دادند. کارگران با ادامه مبارزه خویش برای افزایش دستمزدها، پاسخ این دهن جگی را خواهند داد. کارگران به ماهیت ضد کارگری "شورای عالی کار" پی می‌برند. کارگران به تجربه دریافته‌اند که از این امام زاده معجزه‌ای ساخته نیست. فقط با مبارزات متشکل و مستمر کارگران است که خواست افزایش دستمزد - هارا می‌توان به کارفرمایان و دولت آنها قبولاند. سال جاری نه فقط با گسترش مبارزه برای دریافت حقوق‌های عقب افتاده همراه است، بلکه گسترش مبارزه برای افزایش دستمزدها را نیز در چشم انداز قرار می‌دهد.



به مناسبت اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران



اردوی کار، نبوغ و خلاقیت، رهایی و انسانیت، باردیگر قدرت متحد خود را در برابر اردوی سرمایه، واپسگرایی و ارتجاع، ستمگری و استثمار، توحش و بربریت به نمایش می‌گذارد. اول ماه مه فرا می‌رسد و میلیونها کارگر در سراسر جهان چرخ تولید را متوقف می‌سازند و با راهپیمائی و تظاهرات و گرد هم آئی، همبستگی بین‌المللی خود را جشن می‌گیرند.

طبقه کارگر جهانی امسال در حالی به استقبال اول ماه مه می‌شتابد که نبردهای طبقاتی دوره نوینی از اعتلا؛ خود را آغاز نموده و گردان‌های ارتش جهانی کارگران، در کشورهای جداگانه سرمایه داری در ابعادی وسیع تر و گسترده تر از چندین سال گذشته به مبارزه و رودروئی با طبقه سرمایه دار برخاسته‌اند. اعتصابات هم به لحاظ تعداد و هم نیروی کارگری شرکت کننده در آنها فزونی گرفته است. تظاهرات ۳ میلیونی و اعتصاب عمومی ۱۱ میلیونی کارگران ایتالیائی و راهپیمائی و تظاهرات نیم میلیونی جنبش ضد سرمایه‌داری و ضد انحصار در بارسلون اسپانیا، نمونه‌های برجسته‌ای از مبارزات کارگران جهان در چند ماه گذشته‌اند. این مبارزات که بازتاب رشد و اعتلاء مجدد جنبش کارگری و سوسیالیستی جهان‌اند، باز هم این واقعیت را نشان می‌دهند که به رغم تمام تبلیغات بورژوازی و پادوان رنگارنگ سرمایه، نیروهای نفی نظم موجود هر دم فزونی می‌گیرند و سوسیالیسم به عنوان یگانه بدیل سرمایه‌داری، چشم انداز نجات بشریت ستمدیده از بن بست می‌ست که نظام سرمایه‌داری پدید آورده است.

طبقه کارگر ایران هم، همان هدفی را دنبال می‌کند که تمام کارگران سراسر جهان، یعنی مبارزه برای برانداختن نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم. طبقه کارگر ایران نیز در یک سال گذشته مبارزه خود را علیه نظم موجود در اشکالی بس متنوع ادامه داده و این مبارزه پیوسته روبه گسترش و اعتلاء بوده است. به جرأت می‌توان گفت که در طول تمام دوران موجودیت طبقه کارگر در ایران، هیچگاه جنبش کارگری، همانند چند سال اخیر، با جنبش‌های خودانگیخته و اشکالی در چنین ابعاد روبرو نبوده است. روزی و هفته‌ای نمی‌گذرد که کارگران در یک یا چند کارخانه و موسسه به یکی از اشکال مبارزه علنی متوسل نشوند. تنها در یک سال گذشته کارگران درصدها مورد به اعتصاب، راهپیمائی، تجمع، تظاهرات، تحصن، سنگربندی‌های خیابانی، بستن جاده‌ها و خیابان‌ها متوسل شده‌اند. این رشد و اعتلاء مبارزات به افزایش سطح آگاهی و همبستگی طبقاتی در صفوف کارگران انجامیده است. بارزترین تجلیات این رشد آگاهی و همبستگی را می‌توان در مواردی یافت که کارگران چند کارخانه مشترکاً به اعتصاب متوسل شده‌اند، مشترکاً دست به راهپیمائی و تظاهرات زده‌اند و یا کارگران کارخانه‌های دیگر از مطالبات کارگران اعتصابی حمایت و پشتیبانی به عمل آورده‌اند. ابعاد این رشد همبستگی و آگاهی در صفوف کارگران را آنگاه می‌توان به خوبی دریافت که این واقعیت را مد نظر قرار داد که در ایران یک دیکتاتوری عریان حاکم است که هرگونه آزادی را از کارگران سلب نموده، تشکل‌های مستقل کارگری را ممنوع اعلام کرده و فعالیت سازمان‌های سوسیالیست نیز غیر قانونی است. با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها می‌توان دریافت که وقتی کارگران چندین کارخانه و واحد تولیدی متحداً و مشترکاً دست به مبارزه می‌زنند، تاجه حد همبستگی در میان کارگران ایران تقویت شده است. این در عین حال به معنای رشد و تقویت همبستگی میان کارگران ایران و دیگر گردانهای ارتش جهانی کار در کشورهای دیگر است. از همین روست که برغم تمام محدودیت‌ها و تضییقات ضد دمکراتیک رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و اقدامات سرکوبگرانه عریان این رژیم، کارگران در سالهای اخیر به اشکال مختلف، از جمله اشکال علنی نظیر گرد هم آئی، راهپیمائی و تظاهرات، همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان در اول ماه مه به نمایش گذاشته‌اند. برپائی مراسم اول ماه مه از سوی کارگران ایران در همان حال که نشانه ابراز همبستگی طبقه کارگر ایران با تمام زنان و مردان طبقه کارگر سراسر جهان است، یک رودروئی سیاسی آشکار با طبقه سرمایه‌دار و رژیم پاسدار منافع آن در ایران است که حتی حق اعتراض، اعتصاب، تظاهرات و راهپیمائی را از کارگران سلب نموده است.

طبقه کارگر ایران، امسال نیز همانند سالهای گذشته، به رغم مخالفت و مقاومت ارتجاع حاکم بر ایران، در روز اول ماه مه همبستگی بین‌المللی خود را با کارگران سراسر جهان به نمایش خواهد گذاشت.

رفقای کارگر! زنان و مردان کارگر!

با برگزاری با شکوه‌تر مراسم اول ماه مه، با سازماندهی اجتماعات کارگری، راهپیمائی و تظاهرات، همصدا با کارگران سراسر جهان اعتراض خود را نسبت به نظم ستمگرانه و ضد انسانی سرمایه‌داری ابراز دارید. سازمان فدائیان (اقلیت) که خود را جزء جدائی ناپذیری از جنبش بین‌المللی طبقه کارگر و جنبش کمونیستی کارگران جهان برای دگرگونی نظم سرمایه‌داری و برقراری یک جامعه کمونیستی می‌داند و وظیفه فوری خود را در ایران سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان قرار داده است، روز اول ماه مه را به عموم کارگران تبریک می‌گوید. سازمان فدائیان (اقلیت) در اول ماه مه به عنوان مطالبات مشخص، خواهان نابودی اختناق و تحقق آزادیهای سیاسی مردم ایران، از جمله حق اعتصاب و تشکل‌های مستقل کارگری است. سازمان فدائیان (اقلیت) همچنین خواهان توقف بی‌کارسازی و اخراج کارگران، برخورداری کارگران از یک بیمه کامل بیکاری و افزایش دستمزدهاست.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورائی
نابود باد نظام سرمایه داری – زنده باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
اردیبهشت ماه ۱۳۸۱**

کار – نان – آزادی – حکومت شورائی

قتل عام مردم فلسطین در اردوگاه جنین

موجودیت رژیم اسرائیل درس کشتار و جنایت را از هیتلر آموخته است. با همان بی رحمی که هیتلر یهودیان را کشتار می کرد، شارون مردم فلسطین را کشتار و قتل عام می کند. این اقدامات وحشیانه و ضد انسانی رژیم اسرائیل، موجی از نفرت و انزجار نسبت به این رژیم ضد انسانی را برانگیخته است. فشار افکار عمومی حتی دولت‌های اروپائی را که همواره از پشتیبانان رژیم اسرائیل بوده اند، واداشته که این اقدامات فجیع و ضد بشری رژیم اسرائیل را محکوم کنند. اکنون تنها درجهان، امپریالیسم آمریکا، این منفور-ترین قدرت امپریالیستی است که همچنان از وحشیگری رژیم اسرائیل دفاع می کند و برای پیشبرد سیاست های امپریالیستی خود در خاور میانه، شارون را تقویت می کند. اما شکست این هردو، در برابر افکار عمومی مردم سراسرجهان که نفرت و انزجار خود را از این وحشی گریها برآزمی دارند، قطعی است. نه شارون و نه امپریالیسم آمریکا با تمام وحشیگری‌هایشان نمی توانند یک ملت را نابود کنند. شارون با این وحشی - گری ها، نخواهد توانست شکست سیاسی خود را پنهان کند. بدون حل مسئله فلسطین و به رسمیت شناختن حق این ملت در تعیین سرنوشت خود حتی با زور اسلحه نژادپرستان اسرائیلی، امنیتی برای اسرائیل وجود نخواهد داشت. شارون با وعده برقراری امنیت، قدرت را در اسرائیل به دست گرفت، اما امروز بیش از هر زمان دیگر با عدم امنیت روبروست.

کشتار وحشیانه مردم فلسطین توسط رژیم نژاد پرست اسرائیل همچنان ادامه دارد. در فاصله دوهفته گذشته صد هاتن از مردم ستم دیده فلسطین توسط ارتش اشغالگر اسرائیل به قتل رسیدند و صد هاتن نیز معلول و مصدوم شدند. فجیع ترین جنایت ضد بشری رژیم اسرائیل در هفته گذشته رخ داد که در جریان آن، صدها تن زن و مرد و کودک فلسطینی در اردوگاه جنین قتل عام شدند. مزدوران اشغالگر و نژاد پرست اسرائیل با تانک، بولدوزر و هلی کوپتر به مردم بی دفاع اردو - گاه جنین یورش بردند. گروهی رادستگیر و در همان جا اعدام کردند. گروهی را با شلیک گلوله‌های توپ و تانک و مسلسل به قتل رساندند و گروهی دیگر رادر زیر آوار خانه هایشان زنده زنده به گور سپردند. هنوز ابعاد این جنایت هولناک کاملاروشن نشده است. رژیم اسرائیل اعلام کرده است که ۲۵۰ تن را به قتل رسانده است. اما معدود افرادی که توانسته‌اند از چنگ نژاد پرستان اشغالگر فرار کنند، می گویند که تعداد فلسطینیانی که در جریان این کشتار وحشیانه به قتل رسیده‌اند به ۹۰۰ نفر می رسد. فلسطینیانی که توسط ارتش اسرائیل قتل عام شده اند، در گورهای دستجمعی به خاک سپرده شده اند. صدها تن نیز زخمی و معلول شده‌اند. چندین هزار نفر نیز توسط اشغالگران دستگیر و به بند کشیده شده‌اند. این اقدام وحشیانه رژیم اسرائیل، بسی فجیع تر از کشتارهای وحشیانه رژیم هیتلری - ست. شارون نخست وزیر رژیم اسرائیل به گواه تمام عملکردش در طول تمام دوران

حاکمی است که اکثریت عظیم مردم این کشور یعنی ۸۰ درصد از جمعیت ۲۴ میلیونی آن زیر خط فقر قرار دارند. نابرابری فاحش به جای خود باقی ماند و تنها بورژوازی، خواه بخش خصوصی یا دولتی درآمدهای هنگفتی به جیب زد. در وضعیت دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی هم بهبودی صورت نگرفت و همچنان ۸۰ درصد اراضی در دست یک درصد جمعیت ونزولآ باقی ماند. این وضع منجر به تشدید ناراضیاتی توده ای، گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری گردید و پیایگاه جناح چاوز را تضعیف نمود. با گسترش ناراضیاتی توده ای جناح رقیب چاوز که از برنامه‌های اقتصادی او ناراضی و زیان دیده بود و نیز امپریالیسم آمریکا که مخالف برنامه های اقتصادی و استقلال ظاهرا سیاسی وی بود و علاوه بر این می خواست در اوضاع اقتصادی و سیاسی کنونی جهان، کاملاً سیاست گذار نفوذ و ونزولآ باشد، موقعیت را برای حمله به وی و سرنگونی اش مناسب دیدند. اعتصاب یک هفته‌ای کارگران نفت ونزولآ با یک تظاهرات وسیع مخالفین چاوز در کاراکاس همراه گردید و به کشته و زخمی شدن تعدادی از تظاهر کنندگان انجامید. سران ارتش به حمایت از جناح رقیب چاوز و پیشبرد سیاستهای امپریالیسم آمریکا برای سرنگونی وی دست به کار شدند و چاوز را روز جمعه ۲۳ فروردین ماه برکنار و در یک پایگاه دریائی در ساحل دریای کارائیب زندانی کردند. در پی این کودتا، یکی از سران اتحادیه کارفرمایان ونزولآ به نام پدرو کارمونا مامور تشکیل کابینه شد. وی مجلس را که نمایندگان آن بیشتر طرفداران هوگو چاوز بودند، منحل و قانون اساسی ونزولآ را ملغاً اعلام نمود. اما خواست اکثریت مردمی که یک روز قبل از آن در تظاهرات علیه چاوز شرکت کرده بود، به قدرت رسیدن و ابستگان جریان راست افراطی امثال پدرو کارمونا نبود. اگر قرار می بود آنها میان کارمونا و چاوز یکی را انتخاب می کردند، گزینش آنها چاوز بود. لذا همین که طرفداران چاوز به خیابانهای کاراکاس سرازیر شدند، از تظاهرکنندگان دوروز پیش دیگر خبری نبود. در ارتش نیز شکاف افتاد و گروهی از سربازان به همراه مردمی که از چاوز طرفداری می کردند، کاخ ریاست جمهوری را به تصرف درآوردند. ارتش برای مهار بحران راه دیگری جز این ندید که دوباره چاوز زمام امور را به دست بگیرد. چاوز مجدداً به قدرت رسید، یک بحران عجالتاً فروکش کرد، اما اساس و علت بحران که همانا نظام اقتصادی - اجتماعی ونزولآست به جای خود باقی است. این بحران در جای دیگری سرباز خواهد کرد.



حق اعتصاب و ایجاد تشکل های

مستقل کارگری باید به رسمیت شناخته شود

رژیم جمهوری اسلامی توأم با سلب آزادیهای سیاسی مردم ایران، حق اعتصاب و تشکل مستقل را نیز از کارگران سلب نموده است.

سازمان فدائیان اقلیت خواهان آن است که بلادرنگ حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود.

مرگ بر نظام سرمایه داری - مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)
کار - نان - آزادی - حکومت شورائی



کمک‌های مالی رسیده

		هامبورگ
۱۰	یورو	خاوران
۱۰	یورو	ایوب ملکی
۶۰	یورو	مازیار
		دانمارک
۵۰	کرون دانمارک	اکتبر
۵۰	کرون دانمارک	سپتامبر
۵۰	کرون دانمارک	نوامبر
۵۰	کرون دانمارک	دسامبر
۵۰	کرون دانمارک	ژانویه
۵۰	کرون دانمارک	فوریه
۵۰	کرون دانمارک	مارس
۵۰	کرون دانمارک	هوشنگ احمدی
		سوئیس
۱۰۰	فرانک سوئیس	سعید سلطانیپور
۳۰	فرانک سوئیس	پرستو
۲۰	فرانک سوئیس	رفیق مدائن
۵۰	فرانک سوئیس	فدائی کبیر حمید اشرف
۲۱۰	فرانک سوئیس	ارغوان
		سوئد
۲۰۰	کرون سوئد	کاملیا
۱۰۰	کرون سوئد	پیش به سوی حکومت شورائی

با کمک‌های مالی خود

سازمان را یاری رسانید

پرسش‌های یک کارگر باسواد

چه کسی شهر هفت دروازه‌ی «تب» را بنا کرد؟
در کتاب‌ها، نام فرمانروایانی آمده است.
آیا فرمانروایان، تخته سنگ‌ها را به دوش کشیدند؟
و بابل را که چندین و چند بار ویران شد،
چه کسی باز ساخت؟
فعله‌های شهر زرین «لیما» خود در کدام خانه به سر می‌بردند؟
در آن شب که دیوار بزرگ چین
تمامی گرفت،
بنیان‌ش به کجا رفتند؟ روم بزرگ،
پر از طاق نصرت‌هاست. چه کسی آنها را برپا داشت؟
و قیصرها برچه کسانی پیروز شدند؟
آیا بیزانس پر آوازه، برای ساکنانش، فقط قصر داشت؟
در آتلانتیس افسانه‌ای
حتی در آن شب که دریا به کامش کشید،
به دریا افتادگان، برسر بردگان خود نعره می‌کشیدند.

آیا اسکندر جوان، هند را تسخیر کرد؟
به تنهایی؟

قیصر که «گل»‌ها را درهم کوبید،
حتی آشپز هم همراهش نبود؟
فیلیپ اسپانیایی، به هنگامی که ناوگانش
غرق شد، گریست.

جز او، آیا هیچکس گریه نکرد؟
فردریک دوم در جنگ‌های هفت ساله پیروز شد.
آیا هیچکس در این پیروزی، سهمی نداشت؟

برپیشانی هر ورقی، یک پیروزی.
چه کسی شام پیروزی‌ها را می‌پخت؟
هر ده سال، مردی بزرگ.
چه کسی هزینه‌ها را می‌پرداخت؟

این همه روایت.
این همه پرسش.

شعر از برتولت برشت
ترجمه بهروز مشیری

تحولات ونزوئلا از نگاهی دیگر

روزهای ۱۰ تا ۱۳ آوریل سال جاری، صدها هزارتن از کارگران و زحمتکشان ونزوئلایی در اعتراض به فقر و بیکاری دست به یک اعتصاب عمومی زدند. کلیه اتحادیه‌های کارگری این کشور با فراخوان به اعضاء و فعالین خود، آنها را به خیابان‌ها فراخواندند. به دنبال این امر، اتحادیه روز - نامه نگاران، دانشجویان، اصناف به حمایت از کارگران برخاستند و به این اعتصاب پیوستند. با گسترش نارضایتی و پیوستن افشارمختلف به اعتراضات کارگری، کلیسا و نهادهای وابسته به آن نیز حمایت خود را از اعتصاب عمومی کارگران و زحمتکشان اعلام نمودند.

روز ۱۰ آوریل اعتصاب عمومی سراسرونزوئلا را فرا گرفت. در کاراکاس صدها هزار تن با تظاهرات و راه پیمائی در شهر، خواهان برکناری Chavez رئیس جمهور این کشور شدند. روز بعد، بیش از ۲۰۰ هزار تن به تجمع در مقابل قصر ریاست جمهوری دست زدند و اعلام نمودند مادام که Chavez بر - کنار نرود، به اعتصاب ادامه خواهند داد. در این هنگام نیروی ضد شورش مستقر در قصر، به روی تظاهر کنندگان آتش گشود و دهها تن را از پای درآورد. به دنبال این امر، بخشی از ارتش به مردم پیوست و از سرکوب مردم سرباز زد. رئیس ارتش در رسانه‌های گروهی که به کنترل اعتصابیون در آمده بود، حمایت خود را از مردم اعلام نمود. وزیر دفاع ونزوئلا به سفارت شیلی پناهنده شد. پارلمان این کشور منحل شد، اعضای شورای عالی ملی برکنار و بعضا دستگیر شدند و رئیس جمهور ونزوئلا نیز دستگیر و در یکی از جزایر این کشور زندانی شد. در سومین روز اعتصاب عمومی و با وجود این که پیروزی‌های فوق حاصل گشته بود، شکاف بین مخالفین رژیم حاصل گشت. نیروهای متزلزل از ادامه اعتصاب عمومی سرباز زدند و برکناری Chavez را بهانه‌ای برای پایان اعتراضات دانستند. از طرف دیگر اکثریت اتحادیه‌های کارگری برتداوم اعتصابات عمومی و روی کار آمدن یک دولت مترقی پافشاری داشتند. نتیجه این کشمکش‌ها بدانجا انجامید که اعتصابات عمومی به مدت نامعلوم، منتهی شد. روز سومین تحولات، تنها بخشی از کارگران و زحمتکشان به خیابانها آمدند. رسانه‌های

تظاهرات ۳ میلیونی کارگران ایتالیا

۳ هوپیمیا و ۲ کشتی مسافر بری، امکان حضور دهها هزار کارگر از اقصی نقاط ایتالیا در رم را فراهم نمود. روز شنبه ۲۳ مارس، موجی از جمعیت و دریائی از پرچم‌های سرخ سراسر پایتخت را به لرزه درآورده بود. ۳ میلیون کارگر در خیابان‌های رم به راه پیمائی و تظاهرات پرداخته و مخالفت خود با سیاست‌های ضد کارگری دولت را به نمایش گذاشتند.

رهبر CGIL، " سرگیو کوفه راتی" در سخنرانی خود که در همین روز ایراد نمود ضمن محکوم کردن تزلزلات دو اتحادیه دیگر، از کارگران دعوت نمود به مبارزات خود ادامه دهند و در اعتصابات عمومی که در ماه آوریل سازماندهی شده است، وسیعا شرکت نمایند.

لازم به ذکر است که یک روز قبل از این تظاهرات، یکی از مقامات دولتی ایتالیا ترور شده بود و دولت ایتالیا سعی داشت تظاهرات کارگران را " تظاهرات ضد ترور" معرفی نماید. جهت خنثی کردن این توطئه، " سرگیو کوفه راتی" در ادامه سخنان خود ضمن محکوم نمودن دسایس و تبلیغات دولتی، اعلام نمود هرگونه حرکتی را که از پتانسیل نیرو و مبارزه وسیع کارگران بکاهد یا به آن صدمه زند شدیداً محکوم می کند.

با پوزش از خوانندگان، مطلب زیر باید در شماره قبلی نشریه کاردرج می شد که هنگام صفحه بندی به اشتباه حذف شده است.

حدود ۳ میلیون کارگر ایتالیائی در اعتراض به سیاستهای ضد کارگری دولت "برلوسکنی" روز ۲۳ مارس، بزرگترین تظاهرات کارگری پس از جنگ دوم جهانی را برگزار کردند. موج اخیر اعتراضات، زمانی وسعت گرفت که وزیر کار این کشور اعلام نمود که بند ۱۸ قانون کار را تغییر خواهد داد. تغییرات وارده بر این بند قانون کار، دست کار - فرمایان مراکز کوچک را در اخراج کارگران باز می گذارد و اشتغال میلیون ها کارگر را به مخاطره می اندازد. از همین رو در مخالفت با این تغییرات، ۳ اتحادیه بزرگ کارگری ایتالیا، فراخوان یک تظاهرات وسیع در شهر رم را اعلام نمودند. گرچه ۲ اتحادیه موضعی متزلزل اتخاذ کرده بودند، اما وسعت مخالفت اعضاء اتحادیه CGIL (کنفدراسیون کار) به برگزاری بزرگترین حرکت کارگری طی دهه‌های اخیر انجامید. CGIL با بسیج اعضاء و اختصاص امکانات رفت و آمد، میلیون ها تن را به این گرد - هم آئی اعتراضی دعوت نمود. به همین منظور با کرایه ۹۰۰۰ اتوبوس، ۶۰ قطار،

گروهی که به مدت سه روز دست مخالفین رژیم افتاده بود، به تدریج از کنترل آنها خارج شد. شدت اعتراضات در سه روز اول بدان حد بود که دول خارجی از جمله ایالات متحده درهراس از روی کار آمدن نیروهای مترقی، با مانورهای سیاسی خواهان برگشت Chavez شدند. از آنجاکه در صفوف توده‌های کارگر و زحمتکش شکاف ایجاد شده بود، لذا اعتراضات وسیع توده‌ای متوقف شد. در این فضای حاصله، و در غیاب تداوم قیام توده‌های مردم، ۴۸ ساعت پس از برکناری Chavez، طرفداران وی با حمایت بورژوازی ملی و بین‌المللی او را به سر کار برگرداند. وی پس از بازگشت وعده انتخابات آزاد و "درس گیری از اشتباهات" را داد. بوش رئیس جمهور آمریکا، با تهدید

وی، هشدار داد که از "شانس دومی" که به وی داده شده است، نهایت استفاده را بنماید. کارگران و زحمتکشان و کلیه اعتصابیونی که طی سه روز، Chavez را برکنار نموده بودند، به علت تزلزل و سازش خرده بورژوازی این کشور از یک سو و ضعف و پراکندگی احزاب و سازمانهای چپ قادر نگشتند قیام سه روزه را تداوم و به سرانجام برسانند. رهبر یکی از اتحادیه‌های کارگری طی سخنرانی ضمن "ایراز تاسف از عدم تداوم اعتصابات و قیام سه روزه، خاطر نشان ساخت که برغم سازش برخی از متحدین، فقر و بیکاری ۳۰ درصد از جمعیت شاغل و نرخ تورم ۳۰ درصدی این کشور، به زودی موج دیگری از اعتصابات را دامن خواهد زد، اما این بار مستحکم تر و متشکل تر.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

نگاهی به اوضاع پناهندگی و وضعیت پناهندگان در هلند

رژیمهای بورژوازی برای حفظ منافع خود، باگسترش روابط اقتصادی و صدور کالا و سرمایه به ایران به راحتی همه اصول و مفاد کنوانسیون ژنو رازیر پا گذاشته‌اند. بانگاهی به اخبار و گزارشات روزنامه‌های منتشره در کشورهای اروپائی، می‌توان سیاست‌های اتخاذ شده ضد پناهندگی را دید. روابط گسترده اقتصادی و سیاسی دولت‌های اروپائی به خصوص اتحادیه اروپا با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به طور مستقیم تاثیر منفی خود را در روند پذیرش پناهندگی گذاشته است. کشورهای اتحادیه اروپا سیاست پناهندگی شان را تغییر داده‌اند و مدعی‌اند شرایط ایران با روی کار آمدن خاتمی تغییر کرده و ایران کشور امنی است. این سیاست بر اساس گزارشات بی پایه وزرات امور خارجه و سفارت خانه کشور های فوق در ایران اتخاذ و به اجرا درآمده است. اتحادیه اروپا سیاست واحدی را در مورد پذیرش پناهندگی اتخاذ و به اجرا در آورده است. قرارداد شنگن مبنای عملی این سیاست اتخاذی می باشد. از طریق کنترل بیش از پیش مرزها در صدد هستند آمار مراجعین را کاهش دهند، با تمرکز اطلاعات و مشخصات پناهجویان و پناهندگان در یک مرکز اطلاعاتی طبق مفاد قرارداد فوق در صورت جابجائی پناهجویان و پناهندگان از یک کشور عضو اتحادیه اروپا به کشور دیگر به راحتی مورد شناسائی قرار می گیرند.

پناهجویان در کشورهای اروپائی در شرایط نامساعد و غیر انسانی در کمپهای پناهندگی نگهداری می شوند. به طور مشخص در کشور هلند پناهندگان اعم از ایرانی، آفریقائی، آسیائی و اروپائی شرقی اکثرا در کمپهای پناهندگی در خارج از شهرها و گاه در ساختمانهای قدیمی و متروکه مراکز نظامی، کلیساها و گاه در کشتی‌ها به طور موقت اسکان داده شده‌اند. پناهجویان در اطاقهای کوچک و در واحدهای مسکونی ۸ تا ۱۰ نفره زندگی می کنند. به علت نامناسب بودن جا و محل اسکان و نبودن فضای کافی و نیز اعمال محدودیتهای روز افزون پناهجویان شدیداً تحت فشار هستند و شمار زیادی از آنها تحت فشار روانی قرار دارند.

در سالهای گذشته هلند و سایر کشورهای اروپائی به منظور تامین نیروی کار ارزان به راحتی درخواست پناهجویان را می پذیرفتند و سریع تر جواب می دادند. در

حال حاضر مسئولین دادگستری به دلائل واهی درخواست پناهندگی اکثر پناهجویان ایرانی رارد می‌کنند. بایسته شدن پرونده پناهندگی، پناهجویان بدون هرگونه حمایت مادی، درمانی و آموزشی توسط پلیس از کمپها اخراج و در خیابان شهرهای اطراف کمپ رها می‌گردند. با این روش پناهجویان را در تنگنا قرار داده و بدون این که از هلند اخراج و دیپورت شوند آنها را وادار به خروج از هلند می‌کنند.

پناهجویان سایر کشورها در هلند نیز وضع مشابهی دارند. پرونده پناهجویان افغانی تا سپتامبر ۲۰۰۲ مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد. حتی درخواست ملیت هلندی پناهندگان افغانی بررسی نمی‌شود. کشور هلند منظور اوضاع افغانستان و دیپورت پناهجویان افغانی است. پناهجویان کرد عراقی مدت‌هاست در کمپها بلاتکلیف بسر می‌برند. پناهجویان کشورهای روسیه و اروپای شرقی به ندرت درخواست پناهندگی شان مورد بررسی قرار می‌گیرد. اخیراً پناهجویان ایرانی بعد از ۷ سال بلاتکلیفی پرونده‌شان بسته اعلام شده و از کمپها اخراج شده‌اند. بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر فشار بر خارجی‌ها بخصوص پناهجویان و پناهندگان تشدید شده است. پناهندگانی که بعد از مارس ۲۰۰۱ جواب پناهندگی گرفته‌اند، درخواست ملیت هلندی آنها از تاریخ جواب محاسبه می‌شود، یعنی بین ۸ تا ۱۰ سال، این پروسه را طولانی تر کرده‌اند. کمپ‌های بسته هم - چنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند و پناهجویان کشورهای آفریقائی و اروپائی شرقی مدت‌ها در این کمپ‌ها نگهداری شده و از آنجا توسط پلیس به فرودگاه منتقل و از هلند اخراج می‌شوند. پناهجویان اخراجی از کمپ‌ها، برای تامین غذا و مکان خواب مجبور به کار سیاه می‌باشند. این پناه - جویان در صورت دستگیر شدن توسط پلیس به زندان انداخته و از آنجا دیپورت می‌گردند.

هر از چندگاه گزارشات از وضعیت پناهجویان از برخی تلویزیون‌های هلند پخش می‌گردد از جمله اخراج یک مادر و دو دختر ایرانی بعد از ۷ سال از کمپ، اخراج صدها نفر از کمپ‌های پناهندگی، اخراج یک زن حامله کرد از کمپ معرفی Zevenaar و وضع حمل در خیابان‌های شهر Arnhem در دو سال گذشته، مرگ کودک نه ماهه در کمپ Leusden به دلیل سهل‌انگاری و عدم معالجه به موقع و دهها مورد دیگر گوشه‌ای از وقایع تکان دهنده - ای است که در رسانه‌ها منعکس گردیده‌اند. پناهجویانی که خواهان بهبود شرایط زندگی و بهبود وضعیت پناهندگی هستند، پناه - جویانی که خواهان کوتاه شدن پروسه پناهندگی هستند و خواستار آنند که حقوق آنان به عنوان یک شهروند به رسمیت شناخته شود، برای رسیدن به این خواسته‌ها بیستی دست به مبارزات اعتراضی بزنند. در کشورهای ترکیه و پاکستان، تنها با حمایت نیروهای آگاه و انقلابی است که می‌توان از جان و حقوق پناهندگان دفاع کرد. امداد کشورهای اروپائی به ویژه هلند، فرانسه و آلمان، پناهجویان می‌توانند با ایجاد تشکل‌های پناهندگی در کمپ‌ها و متشکل شدن خود، اقدامات اعتراضی را سازماندهی کنند و از این طریق با سیاستهای ضد پناهندگی و ضد انسانی دولت‌های اروپائی مقابله و آن را افشا کنند.

تا آنجا که به پناهجویان ایرانی مربوط است، مسبب اصلی آوارگی و در بدری میلیون‌ها ایرانی، رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی است. آوارگی، در بدری از عواقب ناگزیر موجودیت این رژیم و جزء لاینفکی از سیاستهای سرکوبگرانه آن است. از این رو پناهجویان و پناهندگان همگام با سازماندهی اقدامات اعتراضی و افشاء سیاست‌های دول اروپائی در زمینه "امن" دانستن ایران، بایستی جمهوری اسلامی را به عنوان مسبب اصلی و به عنوان یک رژیم ارتجاعی و ضد بشری افشاء کنند.

برنامه عمل سازمان فدائیان (اقلیت) برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

و

برقراری حکومت شورائی را بخوانید

زنده باد سوسیالیسم

نگاهی به اوضاع پناهندگی و وضعیت پناهندگان در هند

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

پناهندگی از معضلاتی است که نظام سرمایه داری به خاطر منافع خود، به بشریت و جهان ماتحمیل کرده است. جنگهای تجاوز گرانه و آزمندانه کشورهای امپریالیستی بالاخص جنگ جهانی دوم باعث آوارگی و پناهندگی میلیونها انسان گردیده است. از یکسو اعمال فشار و سرکوب توده ها توسط رژیم های دیکتاتوری و ارتجاعی وابسته به کشورهای امپریالیستی در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و از سوی دیگر فقر و بیکاری، فلاکت و بدبختی و گرسنگی موجود در این کشورها، سبب آن شده است که میلیونها انسان آواره و سرگردان شوند و برای ادامه حیات، به کشورهای "پیشرفته" سرمایه داری پناه آورند.

درایران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی طی دو دهه سرکوب، توحش و کشتارتوده های کارگر و زحمتکش، جامعه ایران را به فلاکت و تباهی کشانده است. اعدام دهها هزارتن از کمونیستها و انقلابیون و سایر مخالفین، در بند کشیدن هزاران انقلابی و معترض در زندانها، بخشی از سیاستهای ضدانسانی جمهوری اسلامی است.

در نتیجه چنین اوضاعی طی دو دهه میلیونهای ایرانی به دلایل مختلف در اثر سیاستهای سرکوبگرانه رژیم به ناگزیر آواره کشورهای مختلف جهان شده اند. این روند همچنان ادامه دارد و در سال - های اخیر نیز به علت بیکاری و بی چشم اندازی بخشی از جوانان و خانواده ها با تقبل خطرات و مصائب بی شمار راهی کشورهای مختلف از جمله پاکستان و ترکیه گشته تا از آنجا خود را به کشور - های اروپائی و کانادا برسانند.

پناهندگانی که در ترکیه و پاکستان بسر می برند وضع اسفناکی دارند. ترکیه تا کنون صدها پناهجو را به ایران باز - گردانده و تحویل ماموران مرزی رژیم داده است. این سیاست همچنان ادامه دارد. رفتار وحشیانه پلیس و دولت

فاشیستی ترکیه موجب هراس و نگرانی پناه جویان می باشد و هزاران ایرانی در شرایط بسیار نامساعد و ناامنی قرار دارند و قادر به هیچگونه عکس العمل و اعتراضی نیستند. دفتر UNHCR (دفتر پناهندگی سازمان ملل) در این کشورها که مسئول پذیرش پناهندگی و تامین امنیت جانی پناهندگان می باشد، هیچگونه اقدام جدی به عمل نیاورد. و عکس العملی نشان نمی دهد. پناهجویان در کشورهای فوق به صورت گروهی و چند نفره زندگی می کنند و فاقد هرگونه امکانات زیستی، رفاهی و بهداشتی می باشند. در شرایط بد روحی و روانی قرار دارند و تاکنون تعدادی از پناه جویان دست به خود کشی زده اند. شماری از پناه جویان از جمله زندانیان سیاسی و فعالین نیروهای سیاسی توسط عوامل اطلاعاتی رژیم ترور شده اند.

این شرایط دشوار و نامساعد، صرفا به پناهجویان در کشورهای فوق خلاصه نمی شود حتی آن دسته از پناه جویانی که چه از طریق پاکستان و ترکیه و چه مستقیما خود را به کشورهای اروپائی رسانده اند نیز، در شرایط سخت و دشواری قرار دارند. زیرا اکثر دول امپریالیستی و سرمایه داری اروپائی به اعمال فشار و تضيیقات حقوقی بیشتری علیه پناه جویان دست زده اند.

با تصویب قوانین و اتخاذ سیاست های جدید، برنامه ضدپناهندگی خود را به پیش می برند. بارها به تجربه ثابت شده است که دولت های بورژوائی به رغم تبلیغات " بشردوستانه" خود، برای جان انسانها پیشیزی ارزش قائل نیستند و تا کنون هزاران پناهجو را قربانی منافع غارت - گرانه خویش ساخته اند. هم اکنون نیز دول اروپائی در ادامه سیاست هرچه بیشتر محدود ساختن ورود پناهجویان به کشور - های خود، در صدد پیاده کردن طرح پذیرش پناهجویان در مناطق همجوار بر - آمده اند.

درفحه ۷

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian - minority.org



Organization Of Fedaiian (Minority)

No.379 apr 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی